

روش پدیدار شناسی تفسیری در بررسی تجربه دانش‌آموزان علوم انسانی مقطع دبیرستان برای انتخاب رشته تحصیلی

عاطفه شیرمحمدی^۱، مرضیه سادات طباطبایی^۲

بیان مساله

جایگاه علوم انسانی و رسالت خطیر مدیریت زیرساخت‌های اساسی جامعه توسط آن، باعث توجه بیشتر و جدی به این مرحله از انتخاب می‌شود که طی آن افراد مستعد و توانمند با آگاهی از تأثیر این رشته با نگاهی ظریف مبادرت به انتخاب رشته کنند. به این ترتیب ملاک‌های هدایت تحصیلی در فرایند انتخاب رشته علوم انسانی در دبیرستان، مسأله اصلی پژوهش است.

مقاله حاضر با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری به بررسی معیارهای مدنظر دانش‌آموزان علوم انسانی در تعیین انتخاب رشته پرداخته است.

سوالات پژوهش

- 1- از دید دانش‌آموزان چه معیارهایی برای تعیین رشته تحصیلی در دبیرستان، مدنظر است؟
- 2- نگرش جامعه در انتخاب رشته تحصیلی، چقدر تأثیرگذار است؟
- 3- استعداد، انگیزه، توانایی در انتخاب رشته علوم انسانی در دبیرستان چه جایگاهی دارد؟

چارچوب نظری

دوره تحصیلات متوسطه، مقطع اولیه و مقدماتی انتخاب رشته برای دوره‌های بعدی است. اهداف کلی از انتخاب رشته تحصیلی در این دوره بدین صورت تعریف شده است:

¹- دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم.

az_shirmohammadi@yahoo.com

²- دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم.

kowsar.ms@gmail.com



1. فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم برای تعمیق باورهای دینی و رشد فضائل اخلاقی دانش‌آموزان.
2. ارتقاء کیفیت آموزش‌های متوسطه (نظری، فنی و حرفه‌ای، کاردانش) و توسعه کمی این آموزش‌ها به تناسب نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به مقتضیات جغرافیائی مناطق.
3. رعایت تناسب بین محتوای آموزشی و نیازها و مقتضیات جنسی و سنی دانش‌آموزان بر اساس اصول.

و ملاکهای هدایت تحصیلی برای انتخاب رشته به شرح زیر است.

- الف) نمرات دوره راهنمایی تحصیلی و پایه اول متوسطه دانش‌آموز. (به میزان 50 امتیاز)
- ب) نظر مشاور براساس بررسی‌های مشاوره‌ای (به میزان 50 امتیاز) که شامل نظر اولیای دانش‌آموز (5 امتیاز)، نظر دانش‌آموز (5 امتیاز)، نظر معلمان درس‌های مربوط (10 امتیاز)، نتایج آزمون‌های رغبت و استعداد (هر کدام 10 امتیاز)، نظر مشاور براساس بررسی پرونده تربیتی تحصیلی (10 امتیاز) می‌باشد.

ملاکهای هدایت تحصیلی در آیین‌نامه‌های آموزشی به پیوست تحقیقات صورت‌گرفته، حساسیت در تعیین انتخاب رشته تحصیلی را نشان داده است.

در یک نمونه پژوهش، با حجم 600 نفر از دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی مناطق بیست‌گانه تهران نشان داده شد؛ که بنابر اظهار دانش‌آموزان، اطلاعات دوره راهنمایی تحصیلی آن‌ها برای انتخاب رشته تحصیلی کافی نبوده است.

همچنین بررسی‌شناختی نشان داده است که حدود 66 درصد از دانش‌آموزان به علت نداشتن نمره قبولی در سایر رشته‌ها، به تحصیل در رشته علوم انسانی روی آورده‌اند. به این ترتیب به نظر می‌رسد در مرحله عملیاتی شدن این اهداف و اصول، معیارهای بیشماری برای تعیین رشته وجود دارد که بازنگری بیشتری را طلب می‌کند.

روش

در پژوهش حاضر از روش "پدیدارشناسی تفسیری"¹ از رویکردهای پژوهش کیفی بهره گرفته

¹ . Interpretive phenomenology



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
 روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

شده است.

پدیدارشناسی روشی است که به توصیف پدیده‌های تعلیم و تربیت، به نحوی که دست‌اندرکاران آن همچون والدین، معلمان و دانش‌آموزان آنها را درک می‌کنند فرا خوانده می‌شود. روش پدیدارشناسی در پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت، طی مراحل زیر، مورد استفاده قرار می‌گیرد:

1. توصیف پدیدارشناختی: با تکیه بر تجربه‌زیسته در عرصه تعلیم و تربیت، توصیفی پدیدارشناختی از این تجربه فراهم می‌آورد. که این توصیف، بسط و تفصیل همان تجربه زیسته می‌باشد، نه این‌که بر آن تحمیل شود یا رابطه‌ای استنتاجی با آن برقرار کند.
2. برآوردن چارچوب نظری اولیه: با فراهم آمدن این توصیف پدیدارشناختی، می‌توان از آن یک چارچوب نظری مبنایی برای تعلیم و تربیت بیرون آورد.
3. جذب و سازمان‌دهی یافته‌های پژوهشی: در گام سوم می‌توان یافته‌های عرصه‌های پژوهشی دیگر را در چارچوب نظری اولیه وارد نمود.
4. مواجهه مجدد با تجربه‌زیسته: پس از سازمان‌دهی یافته‌های پژوهشی، چارچوب مذکور را در مواجهه مجدد با تجربه‌زیسته در جریان تعلیم و تربیت قرار داده تا کفایت آن را به این ترتیب بیازماییم.

با توجه به فرایند روش پدیدارشناسی، در پژوهش حاضر از روش "پدیدارشناسی تفسیری" از رویکردهای کیفی استفاده شده است.

نمونه‌گیری به روش مبتنی بر هدف انجام شد و نمونه‌ها از میان دانش‌آموزان سال دوم رشته علوم انسانی در دبیرستان‌های شهر تهران انتخاب شدند. تعداد 17 دانش‌آموز مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق قرار گرفتند و در طی آن، دانش‌آموزان تجربیات و معیارهای انتخاب رشته خود را بیان نمودند. داده‌های بدست آمده از این مشاهده‌ها با استفاده از روش "ون منن" مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



یافته‌ها

بر بنیاد یافته‌های پژوهش، تجربه انتخاب رشته علوم انسانی در دبیرستان مورد واکاوی قرار گرفت و بعد از بررسی و تحلیل موضوعی از داده‌های بدست آمده، چندین موضوع اولیه بدست آمد که در مرحله‌های بعدی تحلیل و با حذف موضوعهای مشابه و همپوشان، 4 موضوع و 11 زیر موضوع باقی ماند، که 4 موضوع بدست آمده در قالب "نظام ارزشیابی، برنامه‌ریزی پنهان، دانش‌آموز، جامعه" دسته‌بندی و توصیف شد. نظام ارزشیابی آموزشی، دربردارنده 2 زیر موضوع؛ معیارهای آموزشی و نظرمشاور است. برنامه‌ریزی پنهان، دربردارنده 2 زیر موضوع؛ مواد درسی و روشن‌سازی رشته‌های تحصیلی است. مقوله دانش آموز شامل 3 زیر موضوع؛ انگیزه، استعداد و توانمندی است. مقوله جامعه نیز، شامل 3 زیر موضوع؛ معلمان، والدین و دوستان است. در پایان بر لزوم بازنگری درباره اهمیت و جایگاه رشته علوم انسانی در جامعه و پیامد انتخاب رشته تحصیلی در دبیرستان به برخی تلویح‌های کاربردی اشاره شده است.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان دهنده انگیزه نسبی دانش‌آموزان علوم انسانی در انتخاب رشته تحصیلی و نارضایتی حداکثری آن‌ها از نگرش‌های علمی و اجتماعی نسبت به این رشته است. به طور کلی دانش‌آموزان این رشته به دنبال تغییر این نگرش با فعالیت‌های آتی خود هستند، در حالی که اذعان دارند در این زمینه اطلاعات کافی را در اختیار ندارند.

نتایج این پژوهش می‌تواند در جهت بهبود انتخاب رشته تحصیلی مخصوصاً رشته علوم انسانی گامی بزرگ را بردارد و در ضمن آموزش و پرورش علاوه بر تقویت شرایط علمی این رشته در مدارس، لازم است به تعریف و تبیین این رشته تحصیلی و کاربردهای اساسی آن در جامعه پرداخته و در این امر مهم به بازنگری بیشتری بپردازد.

واژگان کلیدی: پژوهش کیفی، رشته علوم انسانی، پدیدار شناسی تفسیری، دانش‌آموز.



منابع

- 1- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه. (1389). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- 2- ضرغامی، سعید؛ بازقندی، پروین. (1389). "نمودشناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم". دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال اول، شماره 1.
- 3- کریم زاده، منصوره؛ محسنی، نیک چهره. (1384). "بررسی و شناسایی خودپنداری تحصیلی و غیرتحصیلی و پیش‌بینی‌کنندگی آن در پیشرفت تحصیلی". نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی. دوره 1. شماره 2 و 3. صص 23-38.
- 4- Snyder, R. (2000). "the relationship between learning styles/multiple intelligences and academic achievement of high school students". The high school journal. 83(2). pages: 11-21.